عوامل اجتماعی ـ خانوادگی موثر بر نگرش جنسیتی جوانان استان مازندران

محمد اسماعیل ریاحی*

طرح مسأله: *هدف از انجام پژوهش حاضر توصیف نگرش جنسیتی دختران و پسران جوان استان مازندران و تجزیه و تحلیل عوامل اجتماعی و خانوادگی موثر بر آن می‌باشد.*

روش: *تحقیق حاضر با روش پیمایشی و با مطالعه بر روی نمونه‌ای متشکل از ۴۲۵ نفر از مردان و زنان جوان استان مازندران که در مراکز آموزشی فنی و حرفه‌ای استان مشغول کارآموزی بوده‌اند، صورت گرفته است. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های خود تکمیلی استفاده شد.*

یافته‌ها: *تفاوت‌های معنی‌داری بین نگرش جنسیتی مردان و زنان جوان مشاهده شده است که نشان می‌دهد در مجموع، مردان پاسخگو دارای نگرش جنسیتی مرد مدارانه‌تری نسبت به زنان بوده‌اند. همچنین داده‌ها نشان می‌دهند که روستانشینان و مجردین نسبت به شهرنشینان و متاهلین نگرش جنسیتی مرد مدارانه‌تری داشته‌اند. شکل‌گیری و بیان نگرش جنسیتی تحت تاثیر متغیرهای جنسیت، نگرش شغلی، و نحوهٔ برخورد والدین با فرزندانشان می‌باشد.*

نتایج: *دارا بودن نگرش جنسیتی مرد مدارانه می‌تواند مانعی برای پذیرش توانایی‌های زنان در جامعه و استفادهٔ کامل از نیروهای انسانی موجود برای دستیابی به توسعه محسوب گردد.*

کلید واژه‌ها: جنسیت، جوان، مازندران، نگرش

تاریخ دریافت: ۸۴/۱۰/۲۰ تاریخ پذیرش: ۸۵/۵/۳۱

* دکتر جامعه‌شناس، عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران <meriahi2005@gmail.com>

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

مقدمه

در جهان امروز، هر ملتی با هر نظام سیاسی و اجتماعی، پیشرفته یا در حال پیشرفت، توجه ویژه‌ای به فرایند توسعه و راه‌های دستیابی بدان مبذول می‌دارد. این توجه از این اعتقاد ناشی می‌شود که توسعه، فرایند هدف‌داری است که با بهبود کمی و کیفی حیات جامعه و اعضای آن سروکار دارد و توسط منابع انسانی به منظور رفاه و آسایش همه جانبهٔ انسان‌ها صورت می‌گیرد.

از میان ملزومات متعدد توسعه، بدون تردید منابع یا سرمایهٔ انسانی دارای اهمیت و اولویت اساسی می‌باشد. به عبارت دیگر حضور کمی و کیفی عاملان و کنش‌گران انسانی در این فرایند، نقش اساسی را ایفا می‌کند. تجربهٔ کشورهای موفق نشان می‌دهد که برای گام نهادن در مسیری کوتاه و مطمئن جهت نیل به توسعه، باید از تمام توان‌مندی‌ها، داشته‌ها، دانش‌ها و تجربیات و مهارت‌های سرمایهٔ انسانی (بدون توجه به جنسیت آن‌ها) به طور اصولی و برنامه‌ریزی شده استفاده گردد. به همان اندازه که به کار گماردن مردان در رشد و بالندگی جامعه اساسی و ضروری است، استفاده از نیروی زنان (که قادر به ایجاد تغییرات اساسی در مسیر بهبود کیفی جامعه می‌باشند) نیز برای هر جامعه‌ای ضروری می‌نماید. در دیدگاه توسعه، مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی واجتماعی، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه‌یافتگی است. از این‌رو علاوه بر شاخص‌های توسعهٔ انسانی.[1] که برای مقایسهٔ میزان توسعه‌یافتگی کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد، امروزه از شاخص توسعهٔ جنسیتی[2] که بیان‌گر میزان برابری اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، بهداشتی و آموزشی میان مردان و زنان جامعه است نیز استفاده می‌گردد.

۱) سوابق پژوهش

نقش زنان در فرایند توسعه از اوایل دههٔ ۱۹۷۰ میلادی بیش از پیش مورد توجه قرار

1. Human Development Index (HDI)
2. Gender Development Index (GDI)

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

گرفت. واقعیت آن‌که نوسازی و توسعه، دستاوردهای نامتعادلی برای زنان و مردان در کشورهای در حال توسعه به همراه داشته است، به‌طوری که عمدتاً مردان بهره‌مندان اصلی و زنان بی‌بهره‌گان یا حداقل کم‌بهره‌گان از این فرایند بوده‌اند. نظریه‌های علمی توسعه و نیز برنامه‌های توسعهٔ اقتصادی اجتماعی به ویژه در کشور ما، واقعیت‌های ملموس جامعه را در مورد زنان در نظر نگرفته یا کمتر در نظر گرفته‌اند و تناسب کامل با شرایط اجتماعی ـ اقتصادی و فرهنگی جامعه ما نداشته‌اند.

نتایج پژوهش‌ها و همچنین آمار و ارقام موجود بیانگر مشارکت پایین‌تر زنان نسبت به مردان در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور می‌باشد. به عنوان مثال، میزان مشارکت نیروی زنان در فعالیت‌های اقتصادی طی سال‌های ۱۳۶۵ تا۱۳۸۰ با یک روند افزایشی از ۸/۲ درصد به ۱۱/۸ درصد بالغ شده است، در حالی‌که در طی همین سال‌ها، نرخ مشارکت مردان بین ۶۸/۴ تا ۶۲/۱ درصد در نوسان بوده است (هاشمی، ۱۳۸۱: ۲۲۴). با این حال نتایج مطالعات حاکی از اثرات مثبت مشارکت زنان در بازار کار بر شکوفایی شخصیت زنان، رفاه خانواده و توسعهٔ جامعه می‌باشد. «همراه با تداوم فرایند توسعه، اشتغال زنان از دو جنبهٔ کسب درآمد و کاهش ریسک و در نتیجه افزایش امنیت، درآمد انتظاری خانواده را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر اصلاحات فرهنگی ـ اجتماعی حاصل از توسعه، اعتماد به عملکرد افراد در تخصیص منابع را جایگزین جنسیت، نژاد، و .... می‌کند و در نتیجه اثر اشتغال زنان بر رفاه خانواده افزایش می‌یابد ....» (افشاری، ۱۳۸۱: ۸۲). همچنین نتایج یک تحقیق راجع به رابطهٔ میان نابرابری‌های فرهنگی با میزان توسعهٔ اقتصادی نشان می‌دهد که «هر چه نابرابری‌های فرهنگی ـ با تاکید بر تبعیض جنسیتی ـ کمتر باشد، رشد و توسعهٔ آن کشورها بیشتر شده و تبعیض قائل شدن نسبت به زنان، مانع توسعهٔ اقتصادی خواهد بود» (سفیری، ۱۳۷۳). در مجموع، مطالعات نشان می‌دهد که مشارکت زنان می‌تواند اثرات مثبتی نظیر رشد و توسعهٔ اقتصادی، ارتقاء پایگاه منزلت اجتماعی زنان، کاهش میزان باروری و رشد جمعیت، استقلال مالی زنان و کمک به رفاه خانواده، کاهش نابرابری‌ها و تبعیضات جنسیتی، و ... را به همراه داشته باشد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

پرسش اساسی که با عنایت به موارد مذکور مطرح می‌گردد این است که علی‌رغم اثرات مثبت مشارکت زنان در سطوح فردی، خانوادگی، و اجتماعی، چرا میزان مشارکت زنان به اندازهٔ مشارکت مردان یا حداقل به اندازهٔ لیاقت‌ها وشایستگی‌هایشان نیست؟ صاحب‌نظران و پژوهش‌گران به عوامل متعددی به عنوان موانع مشارکت کامل زنان در فرایند توسعه اشاره کردند که از جملهٔ آن‌ها می‌توان از موانع فرهنگی (باورها و نگرش‌های سنتی مخالف مشارکت زنان در جامعه، جامعه‌پذیری جنسیتی، عقاید قالبی و کلیشه‌ای راجع به ویژگی‌های زنان و مردان، و ....)، موانع اجتماعی (آموزش، ازدواج، ...)، موانع اقتصادی (درآمدهای نفتی، خانه‌داری بدون دستمزد، مهاجرت فزاینده به شهرها، بی‌ثباتی اقتصادی و عدم امنیت شغلی زنان، اختلاف سطح دستمزدها)، موانع قانونی، موانع شخصیتی، و ویژگی‌های فیزیولوژیکی (تفاوت‌های زیستی و جسمی زنان و مردان) نام برد (ناجی راد، ۱۳۸۲: ۳۹۰ –۲۶۹).

گرچه هر کدام از عوامل مذکور دارای اهمیت ویژه‌ای برای تبیین علل عدم مشارکت موثر و مفید زنان در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه می‌باشند، اما صاحب‌نظران توجه خاصی به عوامل فرهنگی و به‌ویژه باورها و عقاید فرهنگی رایج دربارهٔ وظائف و نقش‌های مناسب برای مردان و زنان جامعه ـ آن‌چه که در این مقاله تحت عنوان *نگرش جنسیتی* از آن نام برده‌ایم ـ مبذول داشته‌اند. مطالعات جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی نشان می‌دهد که نهادینه کردن و آموختن اعتقادات و باورهای رایج در مورد جنسیت از طریق فرایند اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری صورت می‌گیرد. بدین ترتیب جامعه‌پذیری جنسیتی فرایندی است که طی آن، مردان و زنان با ارزش‌ها و هنجارهای مسلط جامعه در زمینهٔ رفتارهای مقبول و مورد انتظار برای هر جنس آشنا شده و از طریق نظام نظارت اجتماعی به همنوایی وسازگاری با این ارزش‌ها و هنجارها وادار یا ترغیب می‌گردند. بر این اساس، جامعه رفتارهای معینی را برای مردان و زنان تجویز، تصدیق، و تبلیغ کرده و از آن‌ها انتظار دارد که به هنجارها و الگوهای رفتاری متناسب با جنس خود عمل نمایند. بر اثر این نوع جامعه‌پذیری جنسیتی و آموختن رفتارهای مورد انتظار به دختران و زنان، شخصیت آنان به گونه‌ای شکل می‌گیرد که به سختی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

می‌توانند در عرصهٔ فعالیت‌های اقتصادی ـ اجتماعی مشارکت فعال و سازنده داشته باشند. وجود برخی از عقاید قالبی و کلیشه‌ای راجع به توانایی‌ها و ویژگی‌های زنان ـ نظیر این‌که زن انسان مونثی است که نقش او باید همسری و مادری و خانه‌داری باشد و پذیرش آن توسط مردان (که عمدتاً سیاست‌گذاران اجرایی و تصمیم‌گیرندگان نهایی هستند) و حتی خود زنان ـ به این مشکل دامن می‌زند (ریاحی، ۱۳۸۲: ۵۰).

در واقع اکثر مردان و بخش قابل توجهی از زنان اعتقاد دارند که فعالیت‌های بیرون از منزل برای زنان کمتر از مردان اهمیت دارد و مردان به لحاظ وظیفه‌ای که در تأمین معاش دارند باید دستمزد بیشتری دریافت کرده و از امنیت شغلی بالاتری برخوردار باشند. مخالفان مشارکت زنان، به ترویج اثرات و تبعات منفی اشتغال و مشارکت زنان پرداخته و از بیان نتایج پژوهش‌هایی که نشان می‌دهد «زنان پس از اشتغال می‌توانند روابط مناسب‌تری را با شوهر و فرزندانشان به‌دست آورند [چرا که داشتن علایق شغلی مشترک برای زوجین در خانواده و انجام فعالیت‌های خانواده به‌طور مشترک سبب افزایش ارتباط کلامی آن‌ها شده و آن‌ها را متوجه علایق نیازها و در خواست‌های یکدیگر کرده و می‌توانند مشکلات خانواده را راحت‌تر مرتفع نمایند] خودداری می‌کنند» (اعزاری، ۱۳۷۶: ۱۲۶).

تحقیقات متعددی وجود چنین نگرش‌های منفی راجع به مشارکت و اشتغال زنان در جامعه را نشان می‌دهد؛ پژوهش دکتر محسنی در زمینهٔ بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی ـ فرهنگی در ایران (۱۳۷۹) نشان می‌دهد که ۴۶/۳ درصد از مردان و ۳۲/۶ درصد از زنان مخالف کار کردن زنان بوده‌اند. در تحقیق دیگر ۶۰ درصد از زنان خانه‌دار و ۷۰ درصد از زنان شاغل تأیید نمود که چنان‌چه همسران آن‌ها راضی نباشند، آنان نمی‌توانند به کار اشتغال داشته باشند (سفیری ۱۳۸۰: ۱۸). نظرسنجی از مردم تهران دربارهٔ اشتغال زنان نشان داد که ۷۶ درصد از پاسخگویان به این دلیل با کار بیرون زنان مخالف بودند که معتقد بودند زنان در صورت اشتغال، دیگر نمی‌توانند به درستی به کارهای خانه و شوهر و فرزندان خود برسند و این باعث از بین رفتن گرمی و محبت کانون خانواده‌ها می‌شود. قرچه‌پور (۱۳۸۱) نشان داده که عوامل بیولوژیکی و نقش دوگانهٔ

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

زنان در خانه و محل کار باعث عدم مشارکت مؤثر زنان در سطوح مدیریت نمی‌شود، اما عوامل فرهنگی و اجتماعی مانع مشارکت موثر زنان در این سطوح می‌گردد. بررسی نگرش شهروندان تهرانی دربارهٔ انجام امور خانه‌داری توسط زنان (مرکز ملی مطالعه و سنجش افکار عمومی، ۱۳۸۰) نشان داد که ۵۷ درصد از شهروندان تهرانی با این عقیده که امور خانه‌داری باید توسط زنان و انجام فعالیت‌های اقتصادی توسط مردان صورت گیرد موافق بوده‌اند.

مطالعهٔ انجام شده توسط شهریاری (۱۳۷۷) در بین مردان شهر شیراز نیز بیان‌گر آن است که ۶۱/۴ درصد از جامعهٔ مورد مطالعه نسبت به اشتغال زنان مخالف بوده‌اند. همچنین مطالعهٔ دیگری در شهر تهران توسط سازمان صدا وسیما (۱۳۷۴) نشان می‌دهد که ۳۸ درصد از شهروندان معتقد بوده‌اند چنان‌چه زن‌ها تنها به امور خانه‌داری و تربیت کودک بپردازند خوشبخت‌ترند. ادامهٔ این نوع نگرش‌های جنسیتی را که انتقال آن از خانواده‌ها شروع می‌شود می‌توان در کتاب‌های درسی و مدارس مشاهده کرد. تحلیل محتوای کتب دورهٔ ابتدایی نشان می‌دهد که اکثر مشاغل خارج از منزل (۹۰درصد) به مردان و تنها ۱۰درصد به زنان اختصاص داشته است. در مقابل، کلیه مشاغل داخل منزل به زنان اختصاص داشته است (موسوی، ۱۳۷۸: ۲۳). همچنین نتایج تحقیق بر روی کتب درسی نظام جدید متوسط در سال ۷۵ نشان‌دهندهٔ این است که کتب روان‌شناسی، ادبیات فارسی و اقتصاد هیچ شغلی را برای زنان طرح نکرده‌اند. کتب تاریخ، جغرافیا، دانش اجتماعی و جامعه‌شناسی کمتر از ۳ درصد و کتاب‌های انگلیسی، عربی و بینش دینی کمتر از ۱۰ درصد از کل شغل‌های معرفی شدهٔ خود را به نقش‌های شغلی زنان اختصاص داده‌اند. نه تنها به لحاظ کمی این نسبت به نفع مردان عمل نموده است، بلکه به لحاظ کیفی نیز شغل‌های مطرح شده برای زنان ـ جاروکشی، نخ‌ریسی، ماشین‌نویسی، قالیبافی و خیاطی برای زنان در مقابل مشاغلی نظیر استادی، نویسندگی، و حاکمیت برای مردان ـ از اعتبار اجتماعی کمتری برخوردار بوده‌اند (باقری، ۱۳۷۶).

نهایت این‌که، پژوهش‌های انجام شده حاکی از وجود نگرش جنسیتی خاصی است که دربارهٔ نوع مشاغل مناسب برای مردان و زنان (نگرش شغلی) وجود دارد. نتایج پژوهش‌ها

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

(اقبالی، ۱۳۶۷؛ اخوی راد و حاتمی، ۱۳۶۲) نشان می‌دهد که مهم‌ترین مشاغل برای زنان از نظر مردان عبارت است از معلمی، اداری و دفتری، پرستاری و مشاغل هنری. هچنین ۷۳ درصد از خود زنان شاغل، کار در آموزش و پرورش را مناسب‌ترین شغل برای زن اعلام کردند. نتیجهٔ تحقیق دیگر (راودراد، ۱۳۷۹) بر روی زنان کارمند نیز نشان می‌دهد که ۶۴/۲ درصد از زنان به این موضوع که بعضی از کارهای اداری ویژهٔ زنان است پاسخ مثبت داده‌اند که این، بیان‌گر درونی شدن طرز فکر تثبیت شده در جامعه، در حوزهٔ تقسیم جنسیتی نقش‌ها و مشاغل، به‌ویژه در میان خود زنان می‌باشد. نظرسنجی انجام شده توسط سازمان صدا و سیما (۱۳۷۴) نیز نشان می‌دهد که به نظر مردم، شغل‌های پسندیده برای زنان به ترتیب اهمیت معلمی و مشاغل پزشکی (۷۰ درصد) بوده است. همچنین بررسی انجام شده توسط مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی (۱۳۸۰) نشان می‌دهد که نزدیک به ۸۰ درصد از پاسخگویان کاملاً و یا تا حدودی موافق سپردن مشاغل خاص (نظیر پزشکی و بهداشتی) به زنان بوده‌اند.

مجموع مطالعات مذکور و پژوهش‌های دیگر نشان می‌دهد که نوع ویژه‌ای از باورها و عقاید فرهنگی راجع به نقش‌ها و وظائف مردان و زنان در جامعه (نگرش جنسیتی) وجود دارد که می‌تواند به عنوان مانعی برای مشارکت کامل و مؤثر زنان در فرایند توسعه عمل نماید. این نوع نگرش جنسیتی در خانواده به کودکان به‌طور نظری و عملی، آگاهانه و یا ناآگاهانه آموزش داده می‌شود و توسط سازمان‌های دیگری نظیر مدرسه و دانشگاه، وسائل ارتباط جمعی، و... تکمیل شده و نهادینه می‌گردد. بدین ترتیب عوامل فرهنگی و اجتماعی در قالب نگرش جنسیتی نقش بسیار مهمی در کمیت و کیفیت مشارکت مردان و زنان در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه داشته و این نوع نگرش از طریق کارگزاران جامعه‌پذیری (به‌ویژه خانواده) به اعضای جامعه منتقل می‌گردد. از این‌رو تحقیق حاضر با هدف شناسایی (توصیف و تجزیه و تحلیل) تفاوت‌های جنسیتی در نگرش‌های مردان و زنان راجع به نقش‌ها و وظائف زنان و مردان (نگرش جنسیتی) و نیز تعیین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و بیان این نگرش‌ها، به‌ویژه عوامل فرهنگی و خانودگی به انجام رسیده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

۲) چارچوب نظری

در این تحقیق سعی شده تا با استفاده از نظریه‌های یادگیری اجتماعی و جامعه‌پذیری جنسیتی به تحلیل و تبیین موضوع مورد مطالعه پرداخته گردد. یکی از کاربردهای نظریهٔ یادگیری اجتماعی، توضیح و تبیین تفاوت‌های جنسیتی در عقاید و رفتار است. نظریهٔ یادگیری اجتماعی بر این اندیشه مبتنی است که کودکان نقش‌های مربوط به جنسیت خود را به‌وسیلهٔ پاداش و تنبیهی که در طی انجام بازی‌های مختلف با کودکان دیگر و نیز مشاهدهٔ رفتار دیگران به‌عنوان سرمشق‌ها و مدل‌ها (به‌ویژه از طریق والدین هم‌جنس خودشان) دریافت می‌دارند، یاد می‌گیرند (Martin, 2000: 446). این نظریه بیان می‌کند که کودک رفتار متناسب با جنسیت (دختر یا پسر بودن) را از طریق پاداش‌ها، تنبیهات و تقلید از مدل‌های بزرگسال می‌آموزد، ازاین‌رو رفتار براساس جنسیت همانند سایر رفتارها آموخته می‌شود. تأکید این نظریه بر این اندیشه است که رفتار به‌عنوان پاسخی به نتایج مثبت و منفی آن رفتار، به‌تدریج توسط افراد کسب شده و شکل داده می‌شود. والدین، برادران و خواهران، معلمان، همسالان، و دیگران مهم[1] نظیر هنرپیشه‌ها و قهرمانان ورزشی فراهم‌کنندهٔ بازخوردهای مثبت یا منفی‌ای هستند که برای شکل‌دهی و ابقای رفتار ضروری است (Penny, et al., 1994: 58).

از سوی دیگر نظریهٔ جامعه‌پذیری جنسیتی بر این نکته تأکید دارد که آشکارترین شیوه‌ای که از طریق آن، فرهنگ جامعه در ایجاد تفاوت‌های رفتاری مردان و زنان نقش ایفاء می‌کند، اجتماعی‌شدن یا جامعه‌پذیری[2] است. "جامعه‌پذیری جنسیتی آن بخش از اجتماعی‌شدن است که به‌وسیلهٔ آن، نه‌تنها کودکان تبدیل به موجوداتی اجتماعی می‌شوند، بلکه به افرادی با ویژگی‌های مردانه[3] و زنانه[4] تبدیل می‌گردند. در این وضعیت، جنسیت یعنی مرد یا زن بودن دربردارندهٔ مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و رفتارهایی است که در درون هر جامعه‌ای برای مردان و

1. Significant Others
2. Socialization
3. Masculine
4. Feminine

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

زنان شایسته و مناسب می‌باشد (Stanley & Wise, 2002:273). این تفاوت‌گذاری‌ها و تمایزات بین دو جنس که از آغاز زندگی شروع می‌شود منجر به یادگیری رفتارهای منفعلانه، مطیعانه و پرورشی و مراقبت از دیگران توسط دختران می‌گردد، درحالی‌که پسران رفتارهای فعالانه، پرخاش‌گرانه، و مستقل و متکی به خود بودن را می‌آموزند. هم‌چنین برخی از وظایف و فعالیت‌های ویژه، به‌طور سنتی به مردان و برخی دیگر به زنان نسبت داده می‌شوند، یعنی مردانه یا زنانه محسوب می‌گردند (Koivula, 1995: 543).

۳) روش

تحقیق حاضر به‌صورت پیمایشی صورت گرفته است و مهم‌ترین ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامهٔ خود تکمیلی بوده است که توسط مردان و زنان کارآموز در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای دایر در سطح استان مازندران تکمیل گردیده است.

داده‌های مورد استفاده در مقالهٔ حاضر، در واقع بخشی از داده‌های جمع‌آوری شده مربوط به طرح پژوهشی است که به سفارش ادارهٔ کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان مازندران در سطح استان انجام گرفته است. در این مقاله داده‌های مربوط به نگرش جنسیتی پاسخگویان به‌طور جداگانه و از دیدگاهی متفاوت با طرح مذکور، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. جامعهٔ آماری تحقیق مرکب از ۱۰۹۴۴ نفر کارآموز مرد و زن بوده است که در زمان جمع‌آوری داده‌ها (زمستان ۱۳۸۳) در ۲۲ مرکز ثابت آموزش فنی و حرفه‌ای در شهرستان‌های مختلف استان مازندران مشغول کار آموزی بوده‌اند. پاسخگویان تحقیق حاضر (۴۲۵ نفر کارآموز مرد و زن) با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران به صورت تصادفی از بین کارآموزان حاضر در کلاس‌های کارآموزی در یازده مرکز انتخاب شدند. با اجرای آزمون مقدماتی که طی آن پرسش‌نامهٔ اولیه توسط ۵۰ نفر از کارآموزان تکمیل گردید، مناسب بودن شکل پرسش‌نامه، اعتبار محتوا، میزان ابهام و یا مشکل بودن سوالات، و زمان مورد نیاز برای تکمیل پرسش‌نامه توسط پاسخگویان مورد ارزیابی قرار گرفت. در نهایت، پس از رفع اشکالات، از پرسش‌نامهٔ نهایی برای گردآوری داده‌ها استفاده شد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

متغیر وابسته در این تحقیق، «نگرش جنسیتی» مردان و زنان پاسخگو بود که سعی گردید تاثیر متغیرهای مستقل تحقیق (یعنی جنسیت، سن، محل سکونت، وضع تاهل، میزان تحصیلات، وضعیت اشتغال، نگرش شغلی، نحوهٔ برخورد والدین با فرزندان و بُعد خانوار) بر نوسانات و تغییرات نگرش جنسیتی مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد. به منظور عملیاتی کردن مفهوم نگرش جنسیتی از یک مقیاس ۱۲ گزینه‌ای استفاده گردید که در آن به موضوعاتی نظیر ادارهٔ کارها و امور مهم جامعه، انجام مشاغل و فعالیت‌های فکری، اشتغال زنان، اولویت اشتغال برای مردان، اطاعت کامل زنان از مردان، توانایی مدیریتی زنان و.... پرداخته شد (جدول شمارهٔ ۱). ضریب اعتبار[1] محاسبه شده برای مقیاس نگرش جنسیتی براساس ضریب آلفا کرونباخ برابر با ۰/۹۰۲ بوده است که در حد بسیار بالا و قابل قبولی بوده و بیان‌گر همبستگی شدید بین عبارات طرح شده در مقیاس مذکور می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری SPSS نسخهٔ شمارهٔ ۱۲ استفاده گردید.

۴) نتایج

۴-۱) نتایج توصیفی

تعداد ۴۲۵ نفر از کار آموزان مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای در استان مازندران به‌عنوان نمونه تحقیق انتخاب گردیدند. نمونهٔ آماری تقریباً به‌طور مساوی از دختران (۲۱۰ نفر) و پسران (۲۱۵نفر) مشغول به کارآموزی در این مراکز گزینش شدند (مطابق آمار ادارهٔ کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان مازندران، در زمان اجرای تحقیق حاضر، نسبت مردان و زنان در این مراکز ۵۵ به ۴۵ درصد بوده است). پاسخگویان تحقیق عمدتاً جوانان ۲۵-۱۶ ساله‌ای بودند (۸۸/۹ درصد) که میانگین سنی آن‌ها ۲۰/۸ سال بوده است. نزدیک به دوسوم این پاسخگویان (۷۰/۱ درصد) ساکن مناطق شهری بوده و به لحاظ وضعیت زناشویی ۸۳ درصد آن‌ها هرگز ازدواج نکرده (مجرد) بودند. بیشترین سهم در میزان

1. Reliability Coefficient

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

تحصیلات پاسخگویان مربوط به تحصیلات در حد دبیرستان و دیپلم بوده است که بیش از دوسوم از پاسخگویان (۷۸/۴ درصد) از آن برخوردار بوده‌اند. بررسی وضع پاسخگویان به لحاظ اشتغال نشان می‌دهد که بیش از نیمی از آنان (یعنی ۵۸/۵ درصد) بیکار و تنها ۷درصد شاغل بوده‌اند. سهم دانش‌آموزان و دانشجویان نیز ۳۰درصد بوده است. همچنین اکثر کارآموزان در خانواده‌هایی با حجم متوسط یعنی خانواده‌های ۷ـ۵ نفره (۵۸/۲ درصد) و بزرگ یعنی ۸ نفره و بالاتر (۳۰/۵ درصد) زندگی می‌کرده‌اند و عمدتاً به خانواده‌هایی با پایگاه اقتصادی ـ اجتماعی پائین (۶۱/۴ درصد) و متوسط (۳۳/۹ درصد) تعلق داشته‌اند.

۴-۲) نتایج تحلیلی

۴-۲-۱) تفاوت‌های جنسیتی

بر اساس نظریه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی و نیز بر پایهٔ یافته‌های تحقیقات پیشین، تفاوت‌های جنسیتی معنی‌داری در زمینهٔ افکار و نگرش‌ها، و اعمال و رفتار مردان و زنان در فرهنگ هر جامعه‌ای به چشم می‌خورد. با عنایت به این‌که یکی از اهداف تحقیق حاضر، توضیح تفاوت‌های جنسیتی در زمینهٔ مقوله‌های مربوط به نگرش جنسیتی (مقصود موضع‌گیری فرد نسبت به جایگاه، نقش، تکالیف و امتیازات مردان و زنان در جامعه است) بوده است، به ترسیم جدول شمارهٔ ۱ پرداخته و سعی شده است تا با به‌کارگیری ضرایب همبستگی مناسب، معنی‌دار بودن تفاوت نگرش‌های مردان و زنان در زمینهٔ مقوله‌های ۱۲گانهٔ نگرش جنسیتی مورد آزمون قرار گیرد.

نتایج پژوهش نشان داد، تفاوت‌های جنسیتی معنی‌داری در زمینهٔ تمامی مقوله‌های نگرش جنسیتی وجود دارد. به عنوان نمونه، در این زمینه که «آیا ادارهٔ کارها و امور مهم جامعه را باید بر عهدهٔ مردان گذاشت؟»، در حالی‌که ۵۷/۹ درصد از مردان موافق بوده‌اند، تنها ۱۷/۲ درصد از زنان موافقت خود را با این گزینه اعلام کرده بودند که با استفاده از ضرایب همبستگی کای اسکوئر (Chi-Square=X2) و کرامرز وی (Cramer's V) معنی‌دار بودن این تفاوت جنسیتی نیز تائید گردیده است (*X^2 =81/4 /Significance = 0/000 /Cramer's V= 0/441*). شدت

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

همبستگی نیز در حد متوسط بالا و قابل قبولی است و نشان می‌دهد که مردان و زنان در زمینهٔ عبارت مذکور نظرات یکسانی نداشته‌اند. همچنین آزمون گودمن و کروسکال تائو به عنوان ضریب تقلیل خطا نشان می‌دهد (Goodman & Kruskal=۰/۱۵۰) که با دانستن جنسیت پاسخگویان، ۱۵ درصد در پیش‌بینی نگرش آن‌ها راجع به مقولهٔ مورد بررسی، تقلیل خطا خواهیم داشت. شدیدترین تفاوت‌های جنسیتی به ترتیب در مقوله‌های "لزوم اطاعت کامل زنان از مردان"، "موفق‌تر بودن مدیریت مردان نسبت به زنان" و "ناتوانی زنان در انجام کارهای بیرون از منزل نسبت به مردان" به چشم می‌خورد.

در مقوله "زن در زندگی شخصی و خانوادگی خود باید کاملاً مطیع مرد باشد" تفاوت جنسیتی شدیدی ملاحظه شد، بدین ترتیب که ۵۳/۴ درصد از مردان در مقابل تنها ۶/۸ درصد از زنان با این مقوله موافق بوده‌اند و در مقابل ۸۴/۹ درصد از زنان در برابر ۳۱/۷ درصد از مردان با این مقوله مخالف بوده‌اند (X^2 =۱۲۸/ Sig. = ۰/۰۰۰ / Cramer's V= ۰/۵۵۷). از سوی دیگر کمترین تفاوت‌های جنسیتی به ترتیب در مقوله‌های "توانایی بیشتر مردان درانجام کارهای جسمی"، "توانایی زنان در مشاغل ویژهٔ زنان نظیر معلمی و پرستاری" و "اولویت اشتغال برای مردان در شرایط مساوی نسبت به زنان" ملاحظه شد. به عنوان نمونه، در مقولهٔ "کارهایی که نیاز به قدرت جسمی دارند تنها از عهدهٔ مردان برمی‌آید"، تفاوت جنسیتی معنی‌دار ولی در سطح ضعیف مشاهده گردید، بدین ترتیب که ۶۹ درصد مردان در مقابل ۴۰/۹ درصد از زنان با این مقوله موافق بوده‌اند و میزان مخالفت نیز ۱۸/۱ درصد (مردان) در برابر ۴۲/۸ درصد (زنان) بوده است (Chi-square=36/9, Sig=0/000, Cramer's V= 0/297).

در مجموع می‌توان نتیجه‌گیری نمود که مردان و زنان پاسخگو در تحقیق حاضر، نگرش‌های مشابهی راجع به مقولات نگرش جنسیتی نداشته‌اند؛ بدین معنی که مردان عمدتاً معتقد بودند که الف) کارهای مهم جامعه را باید به آن‌ها سپرد؛ ب) توانایی زنان در مشاغل و فعالیت‌های فکری، مدیریت، اشتغال بیرون از منزل، حل مسایل و مشکلات شخصی و اجتماعی، و فعالیت دوشادوش مردان از آن‌ها کمتر است؛ ج) زنان عمدتاً باید به فعالیت‌های خانه‌داری پرداخته و در صورت نیاز به اشتغال در مشاغلی نظیر معلمی و پرستاری فعالیت

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

نمایند؛ و نهایتاً د) زنان باید در زندگی شخصی و خانوادگی‌شان کاملاً مطیع مردان باشد. در سوی دیگر، زنان پاسخگو نظراتی متفاوت و حتی متضاد با نظرات مذکور داشته‌اند، بدین معنی که آن‌ها معتقد بودند که الف) زنان هم می‌توانند کارهای مهم جامعه را بر عهده گیرند؛ ب) توانایی زنان در مشاغل فکری، مدیریت، اشتغال خارج از منزل، حل مسایل و مشکلات شخصی و اجتماعی و فعالیت همپا با مردان، از آن‌ها کمتر نیست؛ ج) انجام فعالیت‌های خانه‌داری الزاماً وظیفهٔ زنان نیست و آن‌ها می‌توانند در مشاغلی غیر از معلمی و پرستاری نیز موفق باشند؛ و د) ضرورتی ندارد که زنان در زندگی شخصی و خانوادگیشان کاملاً مطیع مردان باشند. در مجموع زنان پاسخگو، نگرشی زن‌مدارانه‌تر داشته و باورهای فرهنگی رایج دربارهٔ وظایف و تکالیف، و حقوق و امتیازات زنان در جامعه را تا حدود زیادی به چالش کشیده‌اند. این تفاوت جنسیتی در جدول شمارهٔ ۱ به نمایش گذاشته شده است.

جدول ۱: بررسی رابطهٔ جنسیت و نگرش جنسیتی

جنسیت / نگرش جنسیتی	مرد		زن		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	*درصد*
زن مدارانه	۴۴	۲۲/۳	۱۷۱	۸۶/۴	۲۱۵	۵۴/۴
مرد- زن مدارانه(بینابین)	۹۰	۴۵/۷	۲۲	۱۱/۱	۱۱۲	۲۸/۴
مرد مدارانه	۶۳	۳۲	۵	۲/۵	۶۸	۱۷/۲
جمع کل	۱۹۷	۱۰۰	۱۹۸	۱۰۰	۳۹۵	۱۰۰

$X^2 = 165/7$ df = 2 Sig. =0/ 000 Cramer's V= 0/648

Goodman and Kruskal = 0/259

براساس جدول مذکور مردان و زنان پاسخگو نگرش جنسیتی متفاوتی داشته‌اند، بدین معنی که ۲۲/۳ درصد از مردان نگرشی زن‌مدارانه داشته‌اند در حالی‌که این رقم برای زنان پاسخگو ۸۶/۴ درصد (۳/۹ برابر مردان) بوده است. از سوی دیگر ۲/۵ درصد از زنان

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

نگرشی مرد مدارانه داشته‌اند، این رقم برای مردان ۳۲درصد (۱۲/۸ برابر زنان) بوده است. نزدیک به نیمی از مردان، نگرشی بینابین (زن ـ مرد مدارانه) داشته‌اند (۴۵/۷ درصد)، در حالی‌که تنها ۱۱/۱ درصد از زنان دارای چنین نگرشی بوده‌اند. معناداربودن تفاوت جنسیتی مذکور توسط ضرایب همبستگی مورد استفاده تایید شده است.

۲-۲-۴) بررسی عوامل مرتبط با نگرش جنسیتی پاسخگویان

توزیع ناهمسان میزان نگرش جنسیتی افراد جامعه می‌تواند با متغیرهای جمعیتی و اجتماعی ـ اقتصادی همبستگی و همخوانی داشته باشد. در این تحقیق، برخی از متغیرهای مرتبط با میانگین نگرش جنسیتی پاسخگویان به شرح جدول شمارهٔ ۲ مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همان‌گونه که از داده‌های جدول برمی‌آید، میانگین نگرش جنسیتی مردان، روستاییان و پاسخگویان مجرد به ترتیب بالاتراز زنان، شهرنشینان و متاهلین بوده است. به عبارت واضح‌تر پاسخگویان مرد، ساکنین مناطق روستایی، و افراد مجرد دارای نگرش جنسیتی مرد مدارانه‌تری نسبت به همتایان زن، شهرنشین و متاهل بوده‌اند. به عنوان مثال، در حالی‌که حداقل و حداکثر میزان نگرش جنسیتی پاسخگویان بین صفر تا ۴۸ در نوسان بوده است (ارقام بالاتر بیان‌گر نگرش جنسیتی مرد مدارانه‌تر است)، پاسخگویان ساکن در مناطق روستایی و شهری به ترتیب دارای نگرش جنسیتی برابر با ۴/ ۲۲ و ۱۷/۱ بوده‌اند که بیان‌گر سنتی بودن نگرش جنسیتی روستانشینان نسبت به شهرنشینان می‌باشد. آزمون *T- Students* نیز این رابطه و همبستگی را تایید می‌کند (T-value=4/67, df=398, Sig = 0/000). علاوه بر متغیرهای جنسیت، محل سکونت و وضع تاهل که متغیرهای دو مقوله‌ای بودند، برخی از متغیرهای اجتماعی و جمعیتی دیگر که بیشتر از دو مقوله داشتند (و لزوماً برای آزمون آن‌ها باید از آزمون تحلیل واریانس Anova=F استفاده می‌شد) در جدول مذکور به نمایش گذاشته شده‌اند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

جدول ۲: توزیع میانگین نگرش جنسیتی پاسخگویان برحسب متغیرهای اجتماعی و جمعیتی

متغیرها		تعداد	میانگین نگرش جنسی	انحراف معیار	T or F*	df	Sig.
جنسیت	مرد	۱۹۷	۲۵/۷	۸/۵۶۶	۱۷/۳	۳۹۳	۰/۰۰۰
	زن	۱۹۸	۱۱/۸	۷/۲۲۰			
محل سکونت	روستا	۱۱۷	۲۲/۴	۹/۵۳۴	۴/۶۷	۳۸۹	۰/۰۰۰
	شهر	۲۷۴	۱۷/۱	۱۰/۵۲۳			
وضع تاهل	مجرد	۳۲۴	۱۹/۵	۱۰/۸۳۱	۲/۹۴	۳۹۲	۰/۰۰۳
	متاهل	۷۰	۱۵/۴	۸/۲۴۳			
گروه‌های سنی میزان تحصیلات	۲۰-۱۶ ساله	۲۱۵	۲۰/۹	۱۰/۸۴۴	۱۰/۴	۳۹۴	۰/۰۰۰
	۲۵-۲۱ ساله	۱۳۵	۱۶/۳	۹/۹۸۷			
	۳۰-۲۶ ساله	۴۵	۱۵/۹	۷/۹۸۹			
	ابتدایی‌وراهنمایی	۲۲	۲۰/۴	۹/۱۳۲	۷/۹۱	۳۹۴	۰/۰۰۰
	دبیرستان‌ودیپلم	۳۰۹	۱۹/۶	۱۰/۶۱۱			
	تحصیلات عالی	۶۴	۱۴/۱	۹/۲۶۶			
وضعیت اشتغال	دانش‌آموزودانشجو	۱۱۹	۱۹/۹	۹/۱۴۸	۱۵/۶	۳۹۳	۰/۰۰۰
	شاغل	۲۷	۱۸/۵	۱۰/۵۶۶			
	بیکار	۲۳۱	۱۶	۹/۹۴۶			
	خانه دار	۱۷	۱۱/۸	۶/۴۰۸			
نگرش شغلی	زن مدارانه	۱۲۶	۱۵/۱	۹/۸۳۴	۲۵/۴	۳۹۱	۰/۰۰۰
	بینابین(مرد-زن)	۲۰۷	۱۸/۱	۹/۴۵۱			
	مرد مدارانه	۵۹	۲۶/۲	۱۱/۵۶۲			
میزان سخت‌گیری والدین	سهل گیر	۸۳	۱۱/۶	۸/۲۶۱	۲۹/۵	۲۴۹	۰/۰۰۰
	معتدل	۱۳۰	۱۹/۹	۱۰/۳۹۱			
	سخت گیر	۳۷	۲۳/۹	۷/۷۴۵			

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

مطابق داده‌های جدول، میانگین نگرش جنسیتی پاسخگویان بر حسب متغیرهائی نظیر سن، میزان تحصیلات، وضعیت اشتغال، نگرش شغلی و میزان سخت‌گیری والدین متفاوت بوده است. به عنوان مثال، نگرش جنسیتی پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات آن‌ها متفاوت بوده است، بدین ترتیب که میانگین نگرش جنسیتی کسانی که تحصیلاتی در سطح ابتدائی و راهنمائی داشته‌اند (۲۰/۴) بیشتر از پاسخگویان با تحصیلات دبیرستانی یا دارای دیپلم بوده (۱۹/۶) و این گروه از پاسخگویان نیز میانگین نگرش جنسیتی‌شان، از دارندگان مدارک دانشگاهی یا دانشجویان (۱۴/۱) بالاتر بوده است. به عبارت واضح‌تر می‌توان رابطهٔ معناداری بین افزایش میزان تحصیلات و کاهش نگرش جنسیتی مرد مدارانه مشاهده کرد (F=7/9, df=394, Sig=0/000).

۳-۲-۴) عوامل موثر بر نگرش جنسیتی پاسخگویان

به منظور پی‌بردن به عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نگرش‌های جنسیتی، از تکنیک‌های تحلیل رگرسیونی چند متغیره و نیز ضریب مسیر سود جسته‌ایم. تحلیل رگرسیون خطی، به شیوهٔ گام به گام[1] و با ورود تدریجی متغیرهای معنادار در معادلهٔ رگرسیونی انجام شده است. تحلیل رگرسیون چند متغیره حاکی از تاثیر سه متغیر مستقل مورد بررسی در این تحقیق، در نگرش جنسیتی کارآموزان بوده است.

جدول ۳: خلاصهٔ مدل‌های تحلیل

مدل‌ها	R	R Square(R2)	Adjusted R Square	ANOVA(F)	Sig
مدل شمارهٔ یک	۰/۶۶۸	۰/۴۴۶	۰/۴۴۴	۱۹۸	۰/۰۰۰
مدل شمارهٔ دو	۰/۷۱۷	۰/۵۱۴	۰/۵۱۰	۱۲۹/۵	۰/۰۰۰
مدل شمارهٔ سه	۰/۷۳۹	۰/۵۴۵	۰/۵۴۰	۹۷/۶	۰/۰۰۰

1. Stepwise

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

در مدل شمارهٔ یک مؤثرترین متغیر در نگرش جنسیتی کار آموزان، یعنی جنسیت (که به‌صورت یک متغیر ساختگی[1] وارد معادلهٔ رگرسیونی شده است) در ابتدا وارد مدل شد که دارای ۰/۶۷ همبستگی با نگرش جنسیتی بوده است (R =۰/۶۶۸). سنجهٔ همخوانی یا ضریب تعیین (R square = مجذور همبستگی پیرسون) که بیان‌گر میزان تاثیر تغییرات متغیر وابسته در اثر نوسانات متغیر مستقل است نشان می‌دهد که جنسیت به تنهایی ۴۴/۶ درصد از تفاوت در نوع نگرش‌های جنسیتی پاسخگویان تحقیق (نمونهٔ آماری) را تبیین کرده و توضیح می‌دهد. همچنین ستون مربوط به R^2 اصلاح شده (Adjusted R Square) نیز نشان می‌دهد که ۴۴/۴ درصد از تغییرات در نگرش جنسیتی جامعهٔ آماری تحقیق توسط جنسیت آن‌ها قابل توضیح و تبیین می‌باشد. در گام بعدی (مدل شمارهٔ دو) متغیر نگرش شغلی پاسخگویان (موضع‌گیری فرد نسبت به نوع مشاغلی که ویژهٔ مردان یا زنان بوده و در فرهنگ جامعه مردانه یا زنانه تلقی می‌شوند) وارد معادلهٔ رگرسیونی شده است که با ورود این متغیر، ضریب همبستگی با افزایشی معادل ۰/۰۴۹ واحد، از ۰/۶۶۸ به ۰/۷۱۷ می‌رسد. ضریب تعیین (R^2) نیز نشان می‌دهد که ۵۱/۴ درصد از نوسانات در نگرش جنسیتی پاسخگویان توسط متغیرهای جنسیت و نگرش شغلی پاسخگویان قابل توضیح و تبیین است. به همین نحو در گام بعدی، متغیر نحوهٔ برخورد والدین وارد معادله رگرسیونی شد. در مدل شمارهٔ سه، ضریب همبستگی ۰/۷۳۹ نشان‌دهندهٔ همبستگی بسیار قوی بین نگرش جنسیتی پاسخگویان با متغیرهای سه گانهٔ مذکور می‌باشد (R = ۰/۷۳۹). همچنین با استفاده از R^2 یا ضریب تعیین می‌توان مدعی شد که ۵۴/۵ درصد از تغییرات و نوسانات در نگرش جنسیتی پاسخگویان تحقیق حاضر بر اثر تفاوت و تغییرات در متغیرهای سه گانه (یعنی جنسیت، نگرش شغلی و نحوهٔ برخورد والدین با فرزندانشان) بوده است. به منظور فهم دقیق‌تر شدت و جهت تاثیرات متغیرهای مستقل بر نگرش جنسیتی، از ضرایب تاثیر[2] کمک گرفته شده است (جدول شمارهٔ ۴).

1. Dummy Variable
2. Coefficients

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

جدول ۴: بررسی تأثیر ضرایب رگرسیونی متغیرهای مستقل

متغیرها	ضریب تاثیر غیراستاندارد (B)	ضریب تاثیر استانداردشده (Beta)	T-value	Sig
جنسیت	-۱۱/۹	-۰/۵۷۰	-۱۲/۵	۰/۰۰۰
نگرش شغلی	۰/۲۶۳	۰/۲۲۰	۴/۸۵	۰/۰۰۰
سخت‌گیری والدین	۰/۲۳۹	۰/۱۹۱	۴/۱۰	۰/۰۰۰

ضریب تاثیر غیر استاندارد (B) مربوط به نگرش شغلی نشان می‌دهد که با یک واحد افزایش در نگرش شغلی (دارا بودن نگرش شغلی سنتی)، ۰/۲۶ واحد بر نگرش جنسیتی پاسخگویان (دارا بودن نگرش جنسیتی مرد مدارانه) افزوده می‌شود و یا با یک واحد افزایش در نحوهٔ برخورد والدین (میزان بیشتر سخت‌گیری در قبال فرزندانشان جهت مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و شخصی)، ۰/۲۴ واحد بر نگرش جنسیتی فرزندان افزوده می‌شود (نگرش جنسیتی مرد مدارانه‌تر می‌گردد). معادلهٔ رگرسیونی معمولی عبارت است از:

نگرش جنسیتی پاسخگویان= ۱۱/۵۳+۱۱/۹-(جنسیت)+۰/۲۶ (نگرش شغلی)+۰/۲۴ (میزان سخت گیری والدین)

اما مطالعهٔ دقیق‌تر ضریب تاثیر استاندارد (Beta) گویای جهت و به‌ویژه شدت تاثیر متغیرهای مذکور بر نگرش جنسیتی است. بیشترین تاثیر بر نگرش جنسیتی مربوط به متغییر جنسیت است که دارای مقدار beta معادل ۰/۵۷۰- می‌باشد. این عدد بیان‌گر تاثیر قوی و معکوس جنسیت بر نگرش جنسیتی است و نشان می دهد که زنان پاسخگو نگرش جنسیتی زن‌مدارانه‌تری نسبت به مردان پاسخگو داشته‌اند. در مرتبهٔ دوم تاثیرگذاری، از متغییر نگرش شغلی باید نام برد که با دارا بودن beta معادل ۰/۲۲۰ نشان می‌دهد پاسخگویانی که نگرش شغلی سنتی‌تری داشته‌اند (مشاغل خاصی را برای مردان و زنان در نظر گرفته و در انتساب مشاغل به افراد جنسیت را عامل اساسی دانسته‌اند) به همان نسبت

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

دارای نگرش جنسیتی مرد مدارانه‌تری نیز بوده‌اند. رتبهٔ سوم تاثیرگذاری مربوط به متغیر نحوهٔ برخورد والدین با فرزندانشان است (مقصود میزان آزادی و اختیاری است که والدین برای فرزندانشان در انجام رفتارهای فردی و اجتماعی‌شان قایل هستند) که با دارا بودن beta معادل ۰/۱۹۱ ضمن بیان تاثیر مستقیم و نسبتاً متوسطی بر نگرش جنسیتی، نشان می‌دهد که هرچه والدین سخت‌گیرتر باشند، دارای فرزندانی با نگرش جنسیتی مرد مدارانه‌تر خواهند بود. معادلهٔ رگرسیونی استاندارد عبارت خواهد بود از:

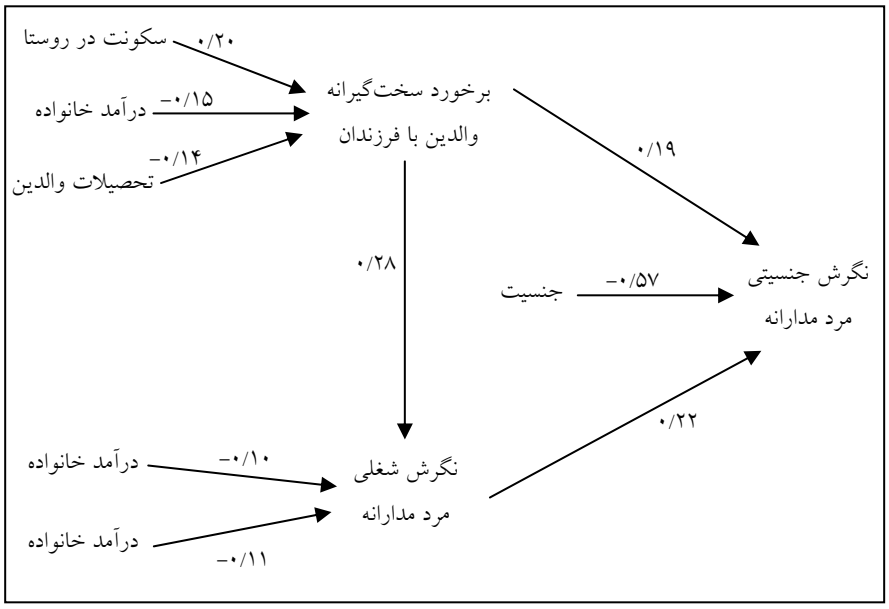
نگرش جنسیتی پاسخگویان= (۰/۵۷- جنسیت)+(۰/۲۲ نگرش شغلی)+(۱۹/ میزان سخت‌گیری والدین)

لازم به ذکر است که برخورد سخت‌گیرانهٔ والدین نسبت به فرزندانشان برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی در بیرون از منزل، به نوبهٔ خود تحت تاثیر متغیرهای دیگری نظیر زندگی در محیط روستایی (Beta=۰/۱۹۷)، درآمد ماهیانهٔ خانواده (Beta=-۰/۱۵۰)، و میزان تحصیلات والدین (Beta=-۰/۱۴۰) بوده است. به عبارت دیگر، والدینی که در مناطق روستایی سکونت داشته، از تحصیلات پایینی برخوردار بوده و درآمد ماهیانهٔ اندکی داشته‌اند بیشترین میزان سخت‌گیری را نسبت به فرزندانشان برای انجام برخی فعالیت‌های اجتماعی اعمال می‌کرده‌اند. همچنین دارا بودن نگرش شغلی مرد مدارانه یا سنتی‌تر نیز به نوبهٔ خود متاثر از سن پاسخگویان (Beta=-۰/۱۱۵) و منزلت شغلی والدینشان (Beta=-۰/۱۰۴) بوده است. همچنین نگرش شغلی مرد مدارانه پاسخگویان، خود تحت تاثیر برخورد سخت‌گیرانه والدین قرار داشته است (Beta=۰/۲۸).

با توجه به مقادیر T به‌دست آمده که همگی از سطح معناداری قابل قبولی برخوردارند، می‌توان با اطمینان قضاوت کرد که بخش عمده‌ای از تغییرات و نوسانات در نگرش جنسیتی پاسخگویان تحقیق، بر اثر متغیرهای جنسیت، نگرش شغلی و نحوهٔ برخورد والدین با فرزندانشان بوده است. جهت درک بصری معادلهٔ رگرسیونی مذکور، با استفاده از فن ضریب مسیر، مدل تحلیلی زیر ترسیم می‌گردد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

تصویر ۱: مدل تحلیلی تغییرات و نوسانات در نگرش جنسیتی



۵) نتیجه‌گیری

مطابق یافته‌های تحقیق حاضر، بین پاسخگویان مرد و زن تفاوت‌های اساسی و معناداری در زمینهٔ نگرش جنسیتی وجود داشته است. همان‌گونه که تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد، عوامل اجتماعی ـ فرهنگی (جنسیت و نگرش شغلی) و اجتماعی ـ خانوادگی (نحوهٔ برخورد والدین) تاثیر اساسی در شکل‌گیری و تکوین و نیز بیان نگرش‌های جنسیتی مردان و زنان جوان در تحقیق حاضر داشته‌اند. همچنین متغیرهای جمعیتی، و اجتماعی ـ اقتصادی نظیر محل سکونت، وضع تاهل، سن، رشتهٔ کارآموزی، میزان تحصیلات و وضعیت اشتغال دارای همبستگی و ارتباط معناداری با نوع نگرش‌های جنسیتی پاسخگویان بوده‌اند. در واقع تحقیق حاضر، با بهره‌گیری از نظریه‌های یادگیری اجتماعی و جامعه‌پذیری جنسیتی، تاثیر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

سازوکارهای اجتماعی و خانوادگی بر شکل‌گیری نگرش‌های جنسیتی را طی فرایند جامعه‌پذیری جنسیتی به تصویر کشیده است و نقش مهم و اساسی فرهنگ را در عقاید و باورهای اعضاء جامعه به نمایش گذاشته است. بدیهی است نگرش جنسیتی افراد ـ که معلول و متاثر از متغیرهای اجتماعی و خانوادگی است ـ خود در حکم علتی برای رفتار پاسخگویان در زمینه‌های فردی و اجتماعی عمل نموده و سبب می‌گردد تا افراد با داشتن دیدگاهی متفاوت احساس، ادراک و ارزیابی متفاوتی از پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی داشته و در قبال آن‌ها به‌گونهٔ متمایزی از دیگران عمل نمایند.

رشد و توسعهٔ اقتصادی ـ اجتماعی جامعه یکی از این پدیده‌های اجتماعی ـ فرهنگی است که نگاه به آن، درک و ارزیابی آن و انجام هرگونه عمل و رفتاری در قبال آن به‌طور اجتناب‌ناپذیری با نگرش‌های افراد در زمینه‌های اجتماعی ـ اقتصادی و فرهنگی گره خورده است. یک نوع از این نگرش‌ها، نگرش جنسیتی است که موضع افراد را در قبال نقش‌های اجتماعی و حقوق و تکالیف مردان و زنان در جامعه مشخص می‌نماید. بدیهی است که هر جامعه‌ای در سطح کلان و هر واحد اجتماعی کوچکتری در سطح میانه و خرد (نهادها و سازمان‌ها، گروه‌ها، شهرها و روستاها، محلات، و...) در صورتی به رشد و بالندگی خواهد رسید که قادر باشد از تمامی توانایی‌ها، تجربیات، دانش‌ها، و مهارت‌های اعضای خود به عنوان سرمایه‌های انسانی، بدون توجه به جنسیت آن‌ها استفاده نماید. طرح تبعیض‌های جنسیتی در زمینهٔ فعالیت‌های اجتماعی که به عنوان موانعی برای مشارکت فعالانهٔ زنان در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عمل می‌نمایند، سبب خواهد شد تا برنامه‌های توسعهٔ اقتصادی ـ اجتماعی جامعه با شکست یا در خوشبینانه‌ترین حالت با ضعف و کم‌توانی روبرو گردند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

منابع References

- اخوی راد، ابوالفضل و حاتمی، فرزانه. (۱۳۶۲)، **بررسی دیدگان زنان شاغل نسبت به تاثیر اشتغال بر تربیت و سلامت و تحصیل فرزندان، میزان باروری و انجام وظایف خانه**، تهران، مرکز تحقیقات و مطالعات صدا و سیما.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۷۶)، **جامعه‌شناسی خانواده**، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- افشاری، زهرا. (۱۳۸۱)، **اشتغال زنان و رفاه خانواده؛ یک چارچوب تحلیلی**، فصلنامهٔ پژوهش زنان.
- اقبالی، بنفشه. (۱۳۶۷)، **نظرسنجی از مردان درباره اشتغال زنان**، تهران، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
- باقری، شهلا. (۱۳۷۶)، **اشتغال زنان در ایران**، تهران، انتشارات روابط عمومی شورای فرهنگی ـ اجتماعی زنان.
- راودراد، اعظم. (۱۳۷۹)، **تحلیلی بر نقش زن در توسعه با تاکید بر اشتغال**، نامهٔ علوم اجتماعی، ش ۱۵، بهار و تابستان.
- ریاحی، محمد اسماعیل. (۱۳۸۲)، **بررسی موانع فرهنگی ـ اجتماعی اشتغال زنان**، مجموعه مقالات همایش موانع حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی ـ اقتصادی، بابلسر، دانشگاه مازندران.
- سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۷۴)، **نظرسنجی از مردم تهران درباره نقش شغلی زنان**، تهران، مرکز مطالعات و سنجش.
- سفیری، خدیجه. (۱۳۷۳)، **بررسی جنبه‌های کمی و کیفی اشتغال زنان و رابطه آن با توسعه اقتصادی**، رساله دکتری جامعه‌شناسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- سفیری، خدیجه. (۱۳۸۰)، **موانع و مشکلات اشتغال زنان و تاثیرات و پیامدهای آن**، کار و جامعه، شمارهٔ ۳۹.
- شهریاری، پرویز. (۱۳۷۷)، **بررسی نگرش مردان به اشتغال زنان مورد مطالعه شهر شیراز**، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- قرچه‌پور، منیژه. (۱۳۸۱)، **بررسی میزان مشارکت زنان در سطوح مدیریت و تحلیل موانع موجود**، مجموعه مقالات همایش آموزش، اشتغال زنان و توسعه ملی، دانشگاه مازندران.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۷۹)، **بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی ـ فرهنگی در ایران**، تهران، دبیرخانهٔ شورای فرهنگ عمومی کشور.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

منابع

References

- مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی. (۱۳۸۰)، **بررسی نابرابری‌های اجتماعی در بین شهروندان تهرانی**، تهران، مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی.
- موسوی، بتول. (۱۳۷۸)، **بررسی اشتغال زنان متاهل و مشکلات آنها**، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، تهران، دانشگاه الزهرا.
- ناجی‌راد، محمدعلی. (۱۳۸۲)، **موانع مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی ـ اقتصادی ایران پس از انقلاب**، تهران، انتشارات کویر.
- هاشمی، علی. (۱۳۸۱)، **اشتغال، مهمترین چالش زنان در جامعه کنونی ایران**، مجموعه مقالات همایش آموزش، اشتغال زنان و توسعه ملی، بابلسر، دانشگاه مازندران.

- Koivula, Nathalie. (1995), **Ratings of Gender Appropriateness of Sports Participations**, Sex Roles, vol. 33, No.s 7/8.
- Martin, Carol L. (2000), **Gender Identity**, In: Alan E Kazdin; "Encyclopedia of Psychology", Vol. 3, New York, Oxford University Press.
- Penny, GN., et al. (1994), **Health Psychology: A Lifespan Perspective**, Switzerland, Harwood Academic Publishers.
- Stanley, L. & Wise, S. (2002), **What's Wrong with Socialization?** In: S. Jackson & S. Scott, "Gender: A Sociological Reader", London, Routledge.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

دیگر مقالات



[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]